

Research Article

Examining the laws of martyrs with an emphasis on Jihad in Imami jurisprudence

Kiamarth mansouri^۱, esmat savadi^۲, hormoz asadi koohbad^۳

Received: ۲۰۲۳/۰۲/۰۵

Accepted: ۲۰۲۴/۰۸/۱۶

Abstract

Regarding the combatants, which include martyrs, war wounded, prisoners and war missing persons; each of them, depending on the situation that happens to them, needs some kind of support to compensate for the physical and mental emptiness that happened to them and their families. In the meantime, it is analyzed by searching for the basics of supporting the warriors in relation to the laws, trying to adapt and rule in relation to the type of battle in which the warriors are injured. On the other hand, no adequate and comprehensive answer has been given to the basics of supporting the fighters. Therefore, the purpose of this article is to discuss the laws of warriors based on the rulings of Jihad chapter in Imami jurisprudence, as well as the method of imams and prophets regarding the level of support for them with a descriptive-analytical method. Islamic jurists, especially Shiites, believe that if Muslims and Islamic lands are attacked and invaded by enemies, it is obligatory for all of them to defend it with all possible means and with their lives and property, and this defense is not subject to any special conditions or conditions. Therefore, in the foundations of Islamic jurisprudence, there are two types of primary struggle and struggle for defense; each of which stipulates limits and conditions. From the point of view of Iranian laws and relying on some fundamentals of human rights, such as the right to happiness, the specific rights of combatants can be analyzed. From the point of view of the laws of other countries, the exclusive rights of combatants can be analyzed and examined based on the principles of "lawful discrimination" and "right to happiness". The summary of the results of this research is that in order to compensate the material and spiritual losses of martyrs, it is up to the Islamic government to make sufficient efforts in this field in accordance with the standards of justice by setting protective laws and regulations.

Keywords: Laws of warriors, chapter of Jihad, Shia jurisprudence, initial war, defensive war.

^۱ - PhD student, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

^۲ - Assistant Professor, Fiqh and Fundamentals of Islamic Law Department, West Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. (corresponding author) esmat.savadi@gmail.com

^۳ - Associate Professor, Department of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Ramhormoz Branch, Islamic Azad University, Ramhormoz, Iran.

مقاله پژوهشی

بررسی قوانین ایثارگران با تاکید بر باب جهاد در فقه امامیه

کیامرث منصوری^۱، عصمت سوادی^۲، هرمز اسدی کوه باد^۳

چکیده

در خصوص ایثارگران که انواع شهدا، مجروحین جنگی، اسیران و مفقودین جنگی را پوشش می دهند هر کدام به فراخور وضعیتی که برایشان پیش می آید، نیازمند نوعی از حمایت برای جبران خلاء جسمی و روحی پیش آمده برای خود و خانواده هایشان می باشد. در این طریق از رهگذر مبانی حمایت از ایثارگران در ارتباط با قوانین مووعه سعی در انطباق و ضابطه انگاری در ارتباط با نوع جهادی که ایثارگران در آن مجروح می شود مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. از طرفی تا کنون پاسخی در خور و جامع به مبانی حمایت از ایثارگران داده نشده است. لذا هدف از این مقاله آن است که قوانین ایثارگران را با تکیه بر احکام باب جهاد در فقه امامیه و همچنین سیره ائمه و پیامبر در خصوص میزان حمایت از ایثارگران با روش توصیفی - تحلیلی مورد بحث و بررسی قرار گیرد. فقهای اسلام به ویژه امامیه معتقدند اگر مسلمانان و بلاد اسلامی مورد تهاجم و تجاوز دشمنان قرار گرفت، بر همه ی آنان واجب است با هر وسیله ممکن و با جان و مال خویش از آن دفاع کنند و این دفاع، مشروط به شرط یا شرایط خاصی نیست. بنابراین در مبانی فقه اسلام دو نوع جهاد ابتدایی و جهاد تدافعی وجود دارد که هر کدام حدود و ضوابطی دارد. از دیدگاه قوانین ایران و با تکیه بر برخی مبانی حقوق انسانی، مانند حق بر خوشبختی حقوق اختصاصی ایثارگران قابل تحلیل است. از دیدگاه قوانین دیگر کشورها عموماً با تکیه بر مبانی «تبعیض روا» و «حق بر شادکامی» حقوق اختصاصی ایثارگران قابل تحلیل و بررسی است. خلاصه نتایج این پژوهش از این قرار است که برای جبران خسارت های مادی و معنوی ایثارگران، با حکومت اسلامی است که با تنظیم قوانین و مقررات حمایتی تلاشهای کافی را در این زمینه منطبق با موازین عدالت به سرانجام برسانند.

واژگان کلیدی: قوانین ایثارگران، باب جهاد، فقه امامیه، جهاد ابتدایی، جهاد تدافعی.

^۱ - دانشجوی دکتری، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

^۲ - استادیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد تهران غرب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

esmat.savadi@gmail.com

^۳ - دانشیار، گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران.

قوانین ایثارگران در راستای اجرای اصل یکصد و بیست و سوم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران مصوب جلسه مورخ ۱۳۸۶/۴/۳ کمیسیون اجتماعی مجلس شورای اسلامی مطابق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی که با عنوان لایحه به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و پس از موافقت مجلس با اجرای آزمایشی آن به مدت چهار سال در جلسه علنی در سال ۱۳۸۵، مطابق اصل یکصد و دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با تأیید آن مجمع در سال ۱۳۹۱ و قید ابقاء فوت قوانینی که از سال ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۱ به نفع ایثارگران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است، برای اجرای آزمایشی به مدت چهار سال لازم الاجرا گردید.

قوانین ایثارگران در واقع مقارن با دوران دفاع مقدس تصویب گردید و هدف از وضع این قوانین، حمایت حقوقی و قضایی ایثارگران و رزمندگانی که به دلیل درگیری با مسائل جنگ مانند حضور در جبهه های نبرد و یا مجروحیت جنگی زمینه تضییع حقوق این قشر موثر جامعه فراهم میآمد که این امر با جایگاه ایثارگران و شأن مجاهدان فی سبیل الله منافات داشت. هدف از وضع و تصویب این قوانین تکریم ایثارگران و گرامیداشت ایثار و جهاد در مبارزه با کفر به عنوان یک کرامت انسانی است. در این پژوهش با توجه به اهمیت جهاد که یکی از واژه های مقدس در فرهنگ اسلامی و فقه امامیه محسوب می شود و در جوامع اسلامی از جایگاه ویژه و والایی برخوردار است، قوانین ایثارگران را با رویکرد و تاکید بر جهاد در فقه امامیه بررسی می نماییم. چراکه در فقه امامیه جهاد در مقابل متجاوز، امری بدیهی، عقلی و فطری بوده و آیات و روایات زیادی بر وجوب آن دلالت دارد. فقهای اسلام به ویژه امامیه معتقدند اگر مسلمانان و بلاد اسلامی مورد تهاجم و تجاوز دشمنان قرار گرفت، بر همه ی آنان واجب است با هر وسیله ی ممکن و با جان و مال خویش از آن دفاع کنند و این دفاع، مشروط به شرط یا شرایط خاصی نیست. (محلاتی، ۱۳۹۶: ۸۹)

۱- مفهوم شناسی

۱-۱- جهاد

کلمه جهاد در معنای لغوی، کلمه ای عربی از ریشه «ج ه د» به معنای مشقت، تلاش، مبالغه، زیاده روی در کار، به نهایت چیزی رسیدن و توانایی است. (ابن اثیر، ۱۹۶۳: ۱۲۶). در مفهوم اصطلاحی و مطابق متون فقهی، اصطلاح جهاد، یک معنای عام دارد و یک معنای خاص؛ که در معنای عام خود عبارت است از «بذل النفس و المال و الوسع فی اعلاء کلمه الاسلام و اقامه شعائر الایمان». (حماد جوهری، ۱۴۰۴: ۳) یعنی تقدیم کردن جان و مال در راه سرافرازی اسلام و برپایی شعائر دینی. دامنه ی جهاد در این تعریف، آنقدر وسیع است که جنگ در راه خدا، جهاد با نفس، امر به معروف و نهی از منکر، و مانند آن را شامل میشود و در قرآن، آیاتی همچون «والذین جاهدوا فینا لنهیدنهم سبلنا». (عنکبوت: ۶۹) فلسفه جهاد در فقه امامیه بدین صورت است که جهاد برای حفظ اسلام، دفاع از مسلمین، دفاع از مستضعفان می باشد. خداوند دستورها و برنامه هایی برای سعادت، آزادی، تکامل، خوشبختی و آسایش انسان ها طرح کرده است، و پیامبران خود را موظف ساخته این دستورها را به مردم ابلاغ کنند، حال اگر فرد یا جمعیتی ابلاغ این فرمان ها را مزاحم منافع پست خود ببینند، و بر سر راه دعوت انبیاء موانعی ایجاد نمایند آنها حق دارند، نخست از طریق مسالمت آمیز و اگر ممکن نشد، با توسل به زور این موانع را از سر راه دعوت خود بردارند و آزادی تبلیغ را برای خود کسب کنند. به عبارت دیگر: مردم در همه اجتماعات این حق را دارند که ندای منادیان راه حق را بشنوند، و در قبول دعوت آنها آزاد باشند، حال اگر کسانی بخواهند آنها را از حق مشروعشان محروم سازند، و اجازه ندهند صدای منادیان راه خدا به گوش جان آنها برسد، و از قید اسارت و بردگی فکری و اجتماعی آزاد گردند، طرفداران این برنامه حق دارند برای فراهم ساختن این آزادی، از

و هیچ کس را با اجبار دعوت به سوی این آئین نمی کند اما در عین حال نسبت به شرک و بت پرستی، سختگیر می باشد. مبانی فقهی حقوق اسلامی (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۳۷).

بنابراین در مبانی فقه اسلام دو نوع جهاد ابتدایی و تدافعی وجود دارد که هر کدام حدود و ضوابطی دارد. مبانی فقهی جهاد ابتدایی روشن می کند که جهاد ابتدایی فقط برای پایان دادن به فتنه گری دشمنان اسلام علیه مسلمانان، جلوگیری از آزار و اذیت مسلمانان توسط مشرکان، دفع شر آنان از سر مسلمانان، نجات مظلومان و ستم دیدگان که تحت سیطره ظالمان و ستم گران قرار دارند و بسط و گسترش حاکمیت اسلام به منظور هدایت توده های مستضعف و تحقق احکام اسلام است و هرگز به معنای تحمیل عقیده و ایمان نیست. (قاسمی، ۱۳۹۳: ۲۲). کشمکش اصلی درباره هدف جهاد ابتدایی، میان سه نظریه است که به نتایجی بسیار متفاوت رسیده اند. این سه نظریه عبارتند از: نظریه جهاد دعوت، نظریه جهاد برای گسترش جغرافیای سلطه اسلامی و نظریه جهاد برای حفظ و برقراری امنیت مسلمانان.

آنچه بیان آن در این پژوهش حائز اهمیت است بررسی قوانین ایثارگران با تاکید بر باب جهاد ابتدایی در فقه امامیه می باشد به طوریکه جهاد یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار در پیشبرد روند بیداری و آگاهی مسلمانان و افزایش فعالیتهای مؤثر اسلامی در جوامع مسلمانان بوده است. چرا که عمدتاً در باب تدافع نظریات تعدیل گرایانه و مناقشه در جبران زیان های مادی و معنوی ایثارگران توسط بیت امال و حکومت اسلامی وجود ندارد و این سیره عقلا مهر قطعی بر بهره بری از آنها می باشد.

بنابراین مبارزات و جهاد مردم ایران برای آزادی استقلال و دفاع از دین باعث شد که مردم بسیاری در صحنه های مبارزه دچار مشکلات و کاستی های گردیدند که رفع این مشکلات و نواقص تنها با تدوین قوانین و مقرراتی جامع و مانع در این زمینه برطرف می گردد. دولت جمهوری اسلامی جهت حفظ کرامت انسانی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت و پاسداشت رشادت های ایثارگران رسیدگی مادی و معنوی به ایثارگران را در سرلوحه کارهای خود قرار داده و قوانین و مقرراتی را تصویب و به اجرا درآورد است بر همین اساس در راستای تکریم و تجلیل از ایثارگران امتیازاتی به آنها داده می شود که می تواند نوعی حمایت از اقشار آسیب پذیر و یا جبران خسارت و یا رفع تبعیضات در جامعه گردد. در این راستا سیاست های کلی ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار و جهاد و ساماندهی امور ایثارگران پس از انقلاب اسلامی شکل گرفت که به منظور ترویج و تحکیم فرهنگ پایداری و ایثار و جهاد در کشور و تکریم و پاسداری از حق ایثارگران اعم از شهیدان، جانبازان، آزادگان و رزمندگان و خانواده های آنان و سهمی که در عزت، امنیت و اقتدار ملی و نظام اسلامی دارند در جهت ترویج و تحکیم فرهنگ ایثار، جهاد، شهادت و تفکر بسیجی در جامعه و نهادینه ساختن آن در اندیشه، باور، منش و رفتار مردم و مسؤولان و مقابله با عوامل بازدارنده و تضعیف کننده آن، همچنین تعظیم و تکریم ایثارگران و پاسداری از منزلت و حق عظیم آنان بر مردم و کشور و تبیین نقش برجسته آنان در انقلاب اسلامی و دستاوردهای آن و دفاع مقدس و امنیت ملی و حمایت از تولید آثار ارزنده فرهنگی و هنری در جهت اشاعه فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت در جامعه می باشد.

۱-۲- فضیلت جهاد

روایات وارده در باب فضیلت جهاد آنقدر بسیار است که آوردن آنها در یک پژوهش نمی گنجد ولیکن از جهت اشاره به ذکر بیاناتی که جامعیت بیشتری داشته و از حیث دایره شمول گستره بیشتری را در برگیرند، به ذکر بعضی از آنها خواهیم پرداخت.

(۱) عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنِ النَّوْفَلِيِّ، عَنِ السَّكُونِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لِلْجَنَّةِ بَابٌ يُقَالُ لَهُ: بَابُ الْمُجَاهِدِينَ يَمْضُونَ إِلَيْهِ، فَإِذَا هُوَ مَفْتُوحٌ وَهُمْ مُتَقَلِّدُونَ بِسُيُوفِهِمْ، وَالْجَمْعُ فِي الْمَوْقِفِ وَالْمَلَائِكَةُ تَرْحَبُ بِهِمْ». ثُمَّ قَالَ: «فَمَنْ تَرَكَ الْجِهَادَ، أَلْبَسَهُ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - ذُلًّا وَفَقْرًا فِي مَعِيشَتِهِ، وَمَحَقًّا فِي دِينِهِ، إِنْ أَلَّاهُ - عَزَّ وَجَلَّ - أَغْنَى أُمَّتِي بِسَنَابِكِ خَيْلِهَا، وَمَرَائِزِ رِمَاحِهَا». (کلینی، ۱۴۲۹ ج ۹، ص ۳۵۵).

بنابر روایت فوق باب مجاهدین در بهشت موجود و مورد خوش آمدگویی ملائک هستند در حالی که با شمشیرهایشان نشان شده اند و از طرفی هم پیغمبر رحمت تارکان جهاد را سبب پوشیدن لباس خواری و ذلت و فقر بر تن دانسته است. آنچه که از این روایت دانسته می شود فضیلت جهاد فیزیکی که در باب تفاسیر مفصلا آن را مورد بررسی قرار دادیم و همچنین نهی از ترک جهاد با عقوبت می باشد.

(۲) «وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَخْبَرَنِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِأَمْرِ قَرَّتْ بِهِ عَيْنِي، وَفَرِحَ بِهِ قَلْبِي، قَالَ: يَا مُحَمَّدُ، مَنْ غَزَا مِنْ أُمَّتِكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، فَأَصَابَهُ قَطْرَةٌ مِنَ السَّمَاءِ أَوْ صُدَاعٌ، كَتَبَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - لَهُ شَهَادَةً». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص: ۱۲۱)

مطابق روایت فوق که در فضیلت جهاد می باشد، هرکس از امت اسلامی به جهاد در راه خدا برخیزد کمترین وجه آن قرار گرفتن در قسم شهود در راه حق می باشد.

(۳) عَنْهُ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُعِيرَةِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ السَّكُونِيِّ عَنْ ضِرَّارِ بْنِ عَمْرٍو الشَّمْشَاطِيِّ عَنْ سَعْدِ بْنِ مَسْعُودٍ الْكِنَانِيِّ عَنْ عُثْمَانَ بْنِ مَظْعُونٍ قَالَ: «قُلْتُ لِرَسُولِ اللَّهِ ص إِنَّ نَفْسِي تُحَدِّثُنِي بِالسِّيَاحَةِ وَأَنَّ الْحَقَّ بِالْجِبَالِ قَالَ يَا عُثْمَانُ لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ سِيَاحَةَ أُمَّتِي الْغَزْوُ وَالْجِهَادُ». (طوسی، ۱۴۰۷، ج ۶، ص: ۱۲۲)

مطابق روایت فوق پیغمبر اکرم (ص) در جواب عثمان ابن مظعون در معنای سیاحت، اتم آن را جهاد و جنگ با دشمنان خداوند معرفی می نماید و به جای گوشه گیری و پناه بردن به کوه ها جهاد و جنگ با مشرکان را توصیه می نمایند.

(۴) عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ سُؤَيْدِ الْقَلَانِسِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَيُّ الْجِهَادِ أَفْضَلُ - فَقَالَ مَنْ عَقَرَ جَوَادَهُ وَ أَهْرَيْقَ دَمَهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ». (عاملی، حر، ۱۴۰۹، ج ۱۵، ص ۱۲)

مطابق روایت فوق از ابی بصیر منقول است که حضرت صادق علیه السلام جهاد افضل را در دو مورد همطراز معرفی کرده است و آن دو مورد آنکه جود و بخشش او فریاد زده شود (کنایه از شهرت به جود و بخشندگی است) و دیگر آنکه خون او در راه خدا ریخته شود. مطابق این روایت فضیلت جهاد فیزیکی به صراحت روشن و به قید مجازات، مستکف از آن چنانکه در روایت شماره ۱ نیز آمده، مورد سرزنش می باشد.

۱-۳- ایثار و ایثارگر

مطابق ماده ۱ قانون جامع خدمت رسانی به ایثارگران مصوب ۱۳۹۱، ایثارگر در این قانون به کسی اطلاق می‌گردد که برای استقرار و حفظ دستاوردهای انقلاب اسلامی و دفاع از کیان نظام جمهوری اسلامی ایران و استقلال و تمامیت ارضی کشور، مقابله با تهدیدات و تجاوزات دشمنان داخلی و خارجی انجام وظیفه نموده و شهید، مفقودالثر، جانباز، اسیر، آزاده و رزمنده شناخته شود. این معنی از مفاهیم جامع اسلامی نیز دور نیست و ایثار عبارت است از مقدم داشتن دیگری بر خود در رساندن منفعت و دفع زیان، نسبت به چیزی که خود بدان نیازمند است. ایثار و مقاومت از اصول اولیه ای است که انبیای الهی بدون بهره مندی از آن هرگز موفق به انجام رسالت خویش نمی‌شدند. پیامبران با ایستادگی و مقاومت در برابر سنت های غلط و مناسبات نادرست اجتماعی و بذل ایثار و از خودگذشتگی در این راه به اصلاح جامعه پرداخته و بدون به دل راه دادن هرگونه ترس و واهمه ای از سختی ها و مشکلات فراروی، رسالت های سنگین الهی خود را به انجام رسانیدند (خمینی، روح الله، ۱۳۸۸، ص ۱۶) تا آنجا که خداوند درباره ایشان می‌فرماید: «الَّذِينَ يَبْلُغُونَ رَسُولَاتِ اللَّهِ وَ يَخْشَوْنَهُ وَ لَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا»^۷ (پیامبران) کسانی بودند که تبلیغ رسالت های الهی می کردند و (تنها) از او می ترسیدند و از هیچ کس جز خدا واهمه نداشتند و همین بس که خداوند حسابگر (و پاداش دهنده اعمال آنها) است.»

۲- مبانی و دیدگاه های عمومی حقوق ایثارگران از منظر فقه اسلامی

۱-۲- حقوق معنوی

۱-۱-۲- حقوق معنوی ایثارگران از منظر آیات و روایات

۱- «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَ الْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَ كَلَّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَى وَ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء: ۹۵) «آن گروه از مؤمنانی که بدون بیماری جسمی و نقص مالی و عذر دیگر، از رفتن به جهاد خودداری کردند و در خانه نشستند، با مجاهدانی که در راه خدا با اموال و جان هایشان به جهاد برخاستند، یکسان نیستند. خدا کسانی را که با اموال و جان هایشان جهاد می‌کنند به مقام و مرتبه‌ای بزرگ بر خانه‌نشینان برتری بخشیده است و هر یک [از این دو گروه] را [به خاطر ایمان و عمل صالحشان] وعده پاداش نیک داده و جهادکنندگان را بر خانه نشینان [بی عذر] به پاداشی بزرگ برتری داده است.»

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «این تفصیل و برتری دادن مجاهدین بر قاعدین به منزله بیان و شرح است برای تفصیلی که قبل از این جمله بطور اجمال ذکر شده بود و علاوه بر شرح و تفصیل فائده دیگری را نیز دارد و آن این است که اشاره کند به اینکه مومن سزاوار نیست به آن وعده حسنی که خدای تعالی به عموم مؤمنین (چه مجاهدین و چه قاعدین) داده بود قناعت کند و وعده: (و کلا وعد الله الحسنى) را دست آویز قرار داده، از رفتن به جنگ و شرکت در جهاد فی سبیل الله و تلاش در اعلاى کلمه حق و کوبیدن باطل کسالت بورزد، زیرا درست است که خدای تعالی به قاعدین نیز حسنی می‌دهد ولی مجاهدین را به درجاتی از مغفرت و رحمت اختصاص داده که نمی‌توان آن را نادیده گرفت و در امر آن مغفرت و رحمت سهل انگاری نمود.» (طباطبائی، ۵، ۷۲/۱۳۷۴)

^۷ - سوره مبارکه احزاب، آیه ۳۹.

۲- إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ (توبه: ۱۱۱) «بدرستی که خداوند از مؤمنان جانها و مالهایشان را خریده، در مقابل این که بهشت از آن آنها باشد، در راه خدا کارزار می‌کند و می‌کشند و کشته می‌شوند، این وعده حقی است که در تورات و انجیل و قرآن ذکر شده است و کیست که در عهدش از خدا وفادارتر باشد؟ پس به معامله‌ای که انجام داده‌اید، شادمان باشید و این همان رستگاری بزرگ است.»

خدای سبحان در این آیه به کسانی که در راه خدا با جان و مال خود جهاد می‌کنند وعده قطعی بهشت می‌دهد و می‌فرماید که این وعده را در تورات و انجیل هم داده، همانطور که در قرآن می‌دهد. خداوند این وعده را در قالب تمثیل بیان نموده و آن را به خرید و فروش تشبیه کرده است، یعنی خود را خریدار و مؤمنین را فروشنده و جان و مال ایشان را کالای مورد معامله و بهشت را قیمت و بهاء و تورات و انجیل و قرآن را سند آن خوانده است و چه تمثیل لطیفی بکار برده است و در آخر مؤمنین را به این معامله بشارت داده و به رستگاری عظیمی تهنیت گفته است. (طباطبائی، ۹/۵۳۹، ۱۳۷۴).

۳- «... لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوٍّ نِيلاً إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ» (توبه ۱۲۰) هیچ تشنگی و رنج و گرسنگی در راه خدا به آنان نمی‌رسد و در هیچ مکانی که کافران را به خشم می‌آورد، قدم نمی‌گذارند و از هیچ دشمنی انتقام نمی‌گیرند [و با نبرد با او به کام دل نمی‌رسند] مگر آنکه به پاداش هر یک از آنان عمل شایسته‌ای در پرونده آنان ثبت می‌شود؛ چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمی‌کند.

در این آیه شریفه سخن از اجر معنوی ایثارگران است. خداوند متعال ایثارگری را عمل صالح معرفی کرده است و اجر و مزد این اعمال صالح را بر خود فرض دانسته است. از این آیه می‌توان چنین استفاده کرد که همان طور که ایثارگران نزد خداوند اجر و منزلت دارند و مورد تکریم الهی قرار می‌گیرند باید مورد تکریم عموم شهروندان قرار گیرند. حکومت اسلامی نیز که داعیه دار ترویج ارزش‌های قرآنی و الهی است نیز نمی‌تواند نسبت به تجلیل و گرامیداشت ایثارگران بی‌تفاوت باشد بلکه باید در این راستا با انجام اقدامات گوناگون و وضع قوانین به تکریم این قشر نیکوکار بپردازد.

علامه طباطبائی در تفسیر این آیه می‌نویسد: این آیات (۱۲۱-۱۱۱ سوره توبه) درباره مطالب گوناگونی است که یک غرض واحدی، همه را به هم مرتبط و به آن غرضی که آیات قبلی در مقام بیان آن بود مربوط می‌سازد، زیرا این آیات در پیرامون جنگ و جهاد است. بعضی از آنها مؤمنین مجاهد را مدح نموده و وعده جمیل داده است. (همان، ۵۴۷).

۲-۱-۲- تحلیل حقوق معنوی ایثارگران

از مجموع آیات مورد اشاره چنین استفاده می‌شود که در نظر خداوند متعال جهاد و ایثارگری دارای «فضیلت» و مجاهد و ایثارگر دارای «اجر معنوی» نزد پروردگار می‌باشد. بنابراین از نظر شارع مقدس باید چنین افرادی در جامعه گرامی داشته شوند و مورد احترام و تکریم قرار گیرند. شاید بتوان بخشی از تکریم و گرامیداشت مقام شامخ مجاهدین و ایثارگران را با جبران خسارت‌های جسمی و مادی که به آنها وارد شده است ترمیم کرد و اعطای «اجر مادی» منافاتی با اجر معنوی ندارد چرا که اساساً هیچ چیز جایگزین «اجر معنوی» ایثارگران نزد خداوند متعال نمی‌گردد لکن این بدان معنا نیست که جامعه، کارگزاران و حکومت اسلامی نسبت از تکریم معنوی و مادی ایثارگران غفلت بورزد چرا که مجاهد و ایثارگر در راه خدمت به جامعه متحمل آسیب‌های جسمی و مادی شده است و اکنون این جامعه و حکومت است که باید

۲-۲-۲- حقوق مادی ایثارگران از منظر آیات و روایات

گذشته از اجر معنوی که قرآن کریم برای ایثارگران بیان کرده است می‌توان با استناد به برخی آیات کریمه قرآن، لزوم مبنای حقوق اسلامی سپرده شده است تا با انتخاب بهترین شیوه‌ها مجاهدان فی سبیل الله را تکریم نمایند.

۲-۲-۲-۱- آیات قرآن کریم

۱- «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَىٰ وَ الْيَتَامَىٰ وَ الْمَسْكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ إِنْ كُنْتُمْ أَمْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ الْجَمْعَانِ وَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (انفال ۴۱) و بدانید هر چیزی را که [از راه جهاد یا کسب یا هر طریق مشروعی] به عنوان غنیمت و فایده به دست آوردید [کم باشد یا زیاد] یک پنجم آن برای خدا و رسول خدا (صلی الل علیه وآله) و خویشان پیامبر و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است، اگر به خدا و آنچه بر بنده‌اش روز جداکننده حق از باطل، روز رویارویی دو گروه [مؤمن و کافر در جنگ بدر] نازل کردیم، ایمان آورده‌اید [پس آن را به عنوان حَقِّ واجب به خدا و رسول و دیگر نامبردگان بپردازید]؛ و خدا بر هر کاری تواناست.

علامه طباطبایی آیه فوق‌الذکر در کنار دو آیه دیگر از سوره انفال می‌گذارد و در تفسیر این آیات می‌نویسد: «از مجموع این سه آیه این معنا استفاده می‌شود که اصل ملکیت در غنیمت از آن خدا و رسول است و خدا و رسول چهار پنجم آن را در اختیار جهادکنندگان گذارده‌اند تا با آن ارتزاق نموده و آن را تملک نمایند و یک پنجم آن را به خدا و رسول و خویشاوندان رسول و غیر ایشان اختصاص داده تا در آن تصرف نمایند.» (طباطبائی، همان، ۸/۹). بنابراین مستفاد از این آیه آن است که مجاهدان و ایثارگران در راه خدا از غنائم جنگی بهره‌دارند و مالک آن می‌شود و باید یک پنجم آن را در اختیار رسول مکرم «ص» قرار دهند. در نتیجه این آیه بر «حق مادی» ایثارگران بر غنائم دلالت می‌نماید.

۲-۲-۲-۲- روایات مربوط به حقوق مادی ایثارگران

در صدر اسلام بعد از آنکه خمس غنائم جنگی جدا می‌شد ما بقی را بین مبارزان و مجاهدانی که در جنگ حضور داشته‌اند تقسیم می‌کردند (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۳/۵، طوسی، ۱۴۲۳، ۱۲۸/۴). با توجه به اینکه امروزه امکان تقسیم غنائم جنگی نیست سزاوار است امتیاز و پاداش دیگری برای رزمندگان جنگ در نظر گرفته شود که جایگزین غنائم جنگی باشد و تقریباً با آن برابری کند. همچنین اگر احیاناً در مسیر انجام وظیفه دچار ضررها و خساراتی شدند، باید بیت‌المال و نظام اسلامی خسارات آنان را جبران نماید. مثل جایی که فرزندان و همسران رزمندگان بی‌سرپرست مانده‌اند، بیت‌المال باید متکفل هزینه‌های آنان شود زیرا در غیر این صورت خلاف عدالت و ظلم خواهد بود.

شیخ طوسی که از پیشگامان در فقاهاست و استاد همه فقهاء بزرگ است اصل چنین وظیفه‌ای را برای بیت‌المال مسلم دانسته و فرموده است: اگر رزمنده‌ای بمیرد یا کشته شود و فرزندان یا همسری باقی گذاشته باشد مخارجشان از بیت‌المال داده می‌شود نه از غنیمت (طوسی، ۱۳۸۷ق، ۷۳/۲). از این کلام استفاده می‌شود جبران خسارت‌هایی که رزمندگان و مجاهدین در مسیر جهاد و دفاع از اسلام متحمل شده‌اند بر عهده بیت‌المال و نظام اسلامی است. در نظام جمهوری اسلامی، برای کسانی که در سال‌های مبارزه با رژیم شاهنشاهی و بعد آن در مبارزه با عوامل استکبار جهانی (صدام، منافقین و...) متحمل خسارت‌هایی شده‌اند، امتیازاتی در نظر گرفته شده است که تنها اداء بخشی از حق آنان است.

علاوه بر این می‌توان گفت تشویق افراد جهادگر و مبارز فقط به نفع خود آنها نیست بلکه کل جامعه در این ماجرا ذی نفع اند چون تشویق چنین افرادی موجب گسترش روحیه ایثارگری و خدمت و در نتیجه سلامت و امنیت جامعه خواهد بود که اگر نظام اسلامی به این تکلیف عمل نکند در حق جامعه ظلم کرده است.

۳- مبانی نظری اختصاصی حقوق ایثارگران از منظر فقه اسلامی

۳-۱- حقوق اختصاصی ایثارگران در ارتباط با اسیر

در متون دینی برای اسیر حقوقی چون تأمین نیازهای اولیه، حفظ امنیت، احترام به سران و بزرگان اسراء، احسان به اسیر ذکر شده است.

بر اساس روایتی از امام صادق(ع) تأمین نیاز اولیه اسیر از جمله غذا و نوشیدنی، بر اسیرکننده لازم است چه اسیر کافر باشد چه غیر کافر و اگرچه حکم قتل او هم صادر شده باشد(کلینی، الکافی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۳۵).

احسان و نیکی کردن به اسراء و همچنین تأمین نیازهای او در دین اسلام لازم شمرده شده،(علامه حلی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۲۴۱) تا جایی که طبق آیه پنجم تا هشتم سوره انسان، احسان به اسیر از صفات ابرار معرفی شده است(طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۶۱۷؛ طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰، ص ۱۲۶-۱۲۷).

و در روایات نیز به نیکی با اسراء سفارش شده است(طوسی، التهذیب، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۱۲۰-۱۲۱). این در حالی است که طبق گزارشات تاریخی در دوران جاهلیت اسیران جنگی در معرض انواع شکنجه‌ها، قطع عضو و حتی قربانی شدن به درگاه خدایان قرار داشتند(احمدی میانجی، الاسیر فی الاسلام، ۱۴۱۱ق، ص ۱۱۶).

بر اساس گزارشات تاریخی امام علی(ع) در وصیت به فرزندش امام حسن(ع) به مدارا با این ملجم که اسیر شده بود، سفارش زیادی کرد و حتی فرمود از همان غذایی که خود می‌خورد به او بخورانید(مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲، ص ۲۸۷).

۳-۲- حقوق اختصاصی ایثارگران در ارتباط با جانبازان

در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، امور مجروحان انقلاب، برعهده کمیته امداد امام خمینی بود که در ۱۹ اسفند ۱۳۵۷ تشکیل شد ببینید: کمیته امداد/امام خمینی در ۲۵ اسفند ۱۳۵۸، امام خمینی در حکمی به مهدی کروی، ضرورت تأسیس سازمانی برای رسیدگی به امور آسیب‌دیدگان انقلاب و خانواده‌های آنان را یادآور شد و با تعیین وی به عنوان سرپرست سازمان یادشده، اولویت‌های اقدامات سازمان را در رسیدگی به امور فرهنگی، اقتصادی و درمانی بیان کرد این سازمان که با تصویب شورای انقلاب، از خرداد ۱۳۵۹ به سازمان بهزیستی ملحق شده بود(هاشمی رفسنجانی، کارنامه و خاطرات، ۳۳۲)، پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و در ۱۰ دی ۱۳۵۹، با تصویب مجلس شورای اسلامی به عنوان نهادی مستقل و زیرمجموعه نخست‌وزیری در نظر گرفته شد که سرپرست آن نیز با پیشنهاد نخست‌وزیر و تأیید رهبر انقلاب تعیین می‌شد ببینید: بنیاد شهید/انقلاب/اسلامی پس از پایان جنگ، امام خمینی به درخواست کروی، رئیس بنیاد شهید و برای رسیدگی بهتر به امور جانبازان و خانواده‌های شهدا، در حکمی به میرحسین موسوی، نخست‌وزیر که مسئول بنیاد مستضعفان نیز بود، امور جانبازان انقلاب و جنگ تحمیلی را به این سازمان محول کرد و سفارش کرد با استفاده از تجربیات بنیاد شهید و اختصاص بهترین امکانات بنیاد مستضعفان، در رسیدگی به تمامی امور شهیدان زنده انقلاب، همت گمارند؛ و از این پس نام این بنیاد، به بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی تغییر یافت(قاسم‌پور، ۳۶). از سال ۱۳۸۳ به بعد، بخش جانبازان، از بنیاد مستضعفان جدا شد و همراه با بنیاد شهید و ستاد امور آزادگان، بنیاد شهید و امور ایثارگران را شکل داد.

افزون بر قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی که از آغاز انقلاب تاکنون برای تسهیل و رسیدگی بهتر به امور فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی جانبازان، تصویب شده است، اغلب وزارتخانه‌ها، ادارات و سازمان‌های دولتی نیز هر کدام به‌شکلی و در ارتباط با وظایف خود، امتیازات رفاهی، اجتماعی، فرهنگی و خدماتی را برای جانبازان در نظر گرفته‌اند که در بخشنامه‌ها و مقررات داخلی این سازمان‌ها ذکر شده است. قانون جامع خدمت رسانی به ایثارگران نیز در سال ۱۳۸۶، در مجلس شورای اسلامی تصویب شد و پس از پنج سال توقف، در سال ۱۳۹۱ در مجمع تشخیص مصلحت نظام بررسی و به مدت چهار سال، به‌طور آزمایشی، لازم الاجرا اعلام شد. در این قانون خانواده جانبازان که شامل همسر، فرزند و والدین مالی فقیر حقوق اسلامی آنان می‌شود نیز از خدمات و امتیازات مربوط به جانبازان، بهره‌مند می‌شوند و در صورت فوت جانباز مشمول این قانون، خدمات به خانواده تحت تکفل آنان تعلق می‌گیرد. این خدمات عبارت‌اند از:

۱. تأمین مسکن یا تسهیل امور مربوط به آن.
۲. خدمات بهداشت و درمان.
۳. تسهیلات اداری و استخدامی.
۴. اشتغال و کارآفرینی.

همچنین در سال ۱۳۸۹، آئین‌نامه اجرایی درصد جانبازی، مصوب دولت، به تأیید مجلس شورای اسلامی رسید. طبق این آئین‌نامه، تعیین میزان آسیب‌دیدگی یا ناتوانی جسمی و روانی برعهده کمیسیون پزشکی تخصصی بنیاد شهید و امور ایثارگران یا شوراهای پزشکی نیروهای مسلح و براساس مفاد تصویب‌شده، گذاشته شد (پایگاه مرکز پژوهش‌های مجلس، آئین‌نامه اجرایی)؛ همچنین جانبازان برای تعیین درصد جانبازی، در سه گروه کلی دسته‌بندی می‌شوند:

۱. گروه‌های آسیب‌های عمومی، اعم از ترکش، ضایعه مغزی و نخاعی، اعمال جراحی، بیماری‌های اعصاب و روان، تروماها، بیماری‌های ریه و چشم و؛
۲. جانبازان گروه شیمیایی.
۳. جانبازان گروه اعصاب و روان (موج انفجار).

امام خمینی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و جامعه اسلامی ایران را مدیون ایثارگری‌های شهدا و جانبازان و معلولان انقلاب اسلامی می‌داندست و همه دستگاه‌های اجرایی را مکلف کرد با تسریع در امور مربوط به آنان، تسهیلات لازم را برای جانبازان فراهم کنند و اگر افرادی در ادارات و وزارتخانه‌ها، در این امر اشکال‌تراشی می‌کنند، به عنوان «ضد انقلاب» مورد پی‌گرد قرار گیرند ایشان در عین اینکه پاداش مجروحیت‌ها و مصیبت‌های واردشده به جانبازان را نزد خداوند محفوظ می‌داندست در آستانه نخستین فریضه حج پس از پیروزی انقلاب، از همه کسانی که قصد حج استحبابی داشتند خواست هزینه حج خودشان را صرف نیازهای معلولان و مصدومان انقلاب کنند؛ زیرا ثواب آن نزد خداوند تعالی بسیار از حج استحبابی بالاتر است. از نظر ایشان هر گونه خدمت بی‌منت به معلولان و جانبازان و خانواده آنان، خدمت به خدا ارزیابی می‌شد. ایشان همچنین با تعیین نمایندگانی، همه وجوه و اموال مجهول‌المالک یا بی‌صاحب و ارث بدون وارث و اموالی را که بابت محاسبه خمس و خروج از ذمه و اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی و دیگر قوانین در اختیار ولی فقیه بود، برای رفع نیاز مالی نهادهایی که به امور مستضعفان و ایثارگران می‌پرداخت، مانند بنیاد جانبازان، اختصاص داد. ازجمله سفارش‌های امام خمینی به مسئولان و دست‌اندرکاران نظام، دقت در امور مربوط به فرزندان شهیدان، معلولان و جانبازان و رسیدگی بیشتر به تحصیل آنان - از ابتدایی‌ترین تا بالاترین مقطع - بود. ایشان برای این منظور از وزیران آموزش و پرورش و فرهنگ و آموزش عالی خواست برای تسهیل در کار فرزندان ایثارگران (شهدا، اسراء، مفقودان و جانبازان)، طرحی تنظیم و به شورای عالی انقلاب فرهنگی تقدیم کنند و بنیاد مستضعفان را موظف کرد تمامی بودجه

این طرح را بر عهده بگیرد و از نهادهای مختلف کشور نیز خواست به این طرح کمک کنند؛ همچنین تمام تلاش خود را برای رفاه و امنیت مادی و معنوی خانواده‌های شهدا و جانبازان به کار گیرند و به ستایش و حرف بسنده نکنند. طبق آخرین آمار بنیاد شهید، در میان جانبازان که بیش از نیم میلیون نفر از جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند، گروه بسیاری متحمل آسیب‌ها و صدمات غیرقابل جبران شدند و با مشکلات فراوانی روبه‌رو هستند. از بیش از ۵۷۴ هزار جانباز در کشور، در حدود سال ۱۳۹۰ بالغ بر هشت هزار جانباز ۷۰ درصد و از این میان بالغ بر دو هزار جانباز قطع نخاعی وجود داشته‌است. این افراد در طول زندگی خود، با مشکلات اقتصادی، رفاهی و روانی متعددی مواجه‌اند (عنبری، موسی و قاسم اویسی فردویی، ۱۳۹۱، ص ۱۱۵)، که بی‌شک همه مردم به‌ویژه مسئولان جامعه، در برابر آن مسئولیت دارند (مهروری، محمدحسین، ۱۳۸۲، ص ۶۴). پس از خدمات درمانی که نخستین نیاز مجروحین و جانبازان است شاید مهم‌ترین مسائل جانبازان به عنوان حاملان فرهنگ جبهه و جهاد را باید در حوزه فرهنگی جستجو کرد؛ زیرا پدیده ایثار و جانبازی که هویت جانبازان را شکل می‌دهد، مربوط به حوزه فرهنگی است و تغییر این ارزش‌ها در جامعه پس از جنگ، می‌تواند به ایجاد دغدغه هویتی برای جانبازان منجر شود (عنبری و اویسی فردویی، ۱۳۵). از همین‌رو است که خدمات فرهنگی برای شخص جانبازان از یک‌سو و حاکم کردن فرهنگ جانبازی در جامعه اسلامی از سوی دیگر، ضروری به نظر می‌رسد (مهروری، ۱۳۸۲، ۷۵-۷۸).

۳-۳- اولویت دهی مخارج ایثارگران مجروح از بیت المال

منظور از امتیازات معنوی، اجر و پاداش اخروی و درجات قرب الهی است که خداوند می‌فرماید: "... خداوند پاداش نیکوکاران را ضایع نخواهد کرد."^۸

اما امتیازات مادی به دو صورت قابل تصور است: ۱- حقوقی که هر فردی از جامعه نسبت به بیت المال دارد. ۲- حقوقی که قشر خاصی از جامعه که به کار مخصوصی اشتغال دارند و سزاوار دریافت مزد و مزایایی هستند نسبت به بیت المال دارند.

اسلام در امتیازات مادی به پیشگامان در اسلام و جهاد و شهدا و خانواده‌های آنان، نیز با همین دید نگریده است. پس در حقوق نوع اول همه اقشار جامعه را یکسان و برابر دانسته و بی‌هیچ تبعیضی بیت المال را متعلق به همه آحاد جامعه می‌داند و چنانکه از روایات بر می‌آید سیره رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) بر این منوال بوده است که بیت المال را به طور مساوی بین تمام اقشار جامعه تقسیم می‌نمودند. همانطور که در روایات آمده است که عده‌ای از خیر خواهان نزد امام علی (ع) رفتند و از آن حضرت تقاضا کردند برای مدتی سهم رؤسا و اشراف از بیت المال را بیشتر کند تا مطیع باشند و زمانی که حکومت و قدرت تثبیت شد آن طور که خدا دستور داده با عدالت با آنان رفتار شود. حضرت در پاسخ فرمودند: ... به خدا قسم اگر بیت المال مال خود من هم بود آن را مساوی بین مردم تقسیم می‌کردم چه رسد به این که آن مال خود آنهاست (شیخ حرعاملی، ج ۱۵، ص ۱۰۵).

همچنین از امام صادق (ع) در مورد تقسیم بیت المال سؤال شد، فرمودند: اهل اسلام فرزندان اسلامند من در عطاء مساوات برقرار می‌کنم و فضائل آنها میان خودشان و خدایشان است. همچون مردی که فرزندی دارد ولی در میراث هیچ یک از آنها را به دلیل فضل و شایستگی که در اوست بر دیگری که از او ضعیف‌تر و پایین‌تر است برتری نمی‌دهد. حضرت در ادامه فرمود: سیره رسول اکرم (ص) نیز در بدو امر در مورد تقسیم بیت المال چنین بوده است، ولی دیگران می‌گویند: ما مقدم می‌کنیم در عطاء آن کسی را که خداوند او را در سابقه اسلامش فضیلت داده است چنانکه در میراث هم چنین

^۸ - هود، ۱۱۵: فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ.

است که برخی بیشتر از میت ارث می‌برند. و عمر چنین می‌کرد (شیخ طوسی، ج ۶ ص ۱۴۶). احادیث دیگری نیز در این باب در تأیید این مطلب وجود دارد که از ذکر آنها صرف نظر می‌کنیم.

پس از مجموع روایات به دست می‌آید که در سیره رسول اکرم (ص) و علی (ع) و دیگر ائمه (ع) همه آحاد جامعه چه افراد با تقوا و سابقه دار و فعال در امور جامعه اسلامی چه غیر آنها حقوق یکسانی نسبت به بیت المال دارند. البته در جامعه اسلامی همواره عده‌ای به عنوان کارگزار حکومت اسلامی در خدمت نظام هستند که باید از بیت المال حقوق آنان تأمین و زندگی شان اداره گردد همانطوری که در صدر اسلام بعد از آنکه خمس غنائم جنگی جدا می‌شد ما بقی را بین مبارزان و مجاهدانی که در جنگ حضور داشته اند تقسیم می‌کردند (شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۳، طوسی ۱۴۰۷، ج ۴، ص ۱۲۸)^۹. باتوجه به اینکه امروزه امکان تقسیم غنائم جنگی نیست سزاوار است امتیاز و پاداش دیگری برای رزمندگان جنگ در نظر گرفته شود که جایگزین غنائم جنگی باشد و تقریباً با آن برابری کند. همچنین اگر احیاناً در مسیر انجام وظیفه دچار ضررها و خساراتی شدند باید بیت المال و نظام اسلامی خسارات آنان را جبران نماید. مثل جایی که فرزندان و همسران رزمندگان بی‌سرپرست مانده‌اند، بیت المال باید متکفل هزینه های آنان شود زیرا در غیر این صورت خلاف عدالت و ظلم خواهد بود. شیخ طوسی (ره) که از پیش گامان در فقهت و استاد همه فقهاء بزرگ است اصل چنین وظیفه‌ای را برای بیت المال مسلم دانسته و فرموده است: اگر رزمنده ای بمیرد یا کشته شود و فرزندان یا همسری باقی گذاشته باشد مخارجشان از بیت المال داده می‌شود نه از غنیمت^{۱۰}. از این کلام استفاده می‌شود جبران خسارت هایی که رزمندگان و مجاهدین در مسیر جهاد و دفاع از اسلام متحمل شده اند بر عهده بیت المال و نظام اسلامی است.

در نظام جمهوری اسلامی، برای کسانی که در سال های مبارزه با رژیم شاهنشاهی و بعد آن در مبارزه با عوامل استکبار جهانی (صدام، منافقین و...) متحمل خسارت هایی شده اند امتیازاتی در نظر گرفته شده است که تنها اداء بخشی از حق آنان است. علاوه بر این می‌توان گفت تشویق افراد جهادگر و مبارز فقط به نفع خود آنها نیست بلکه کل جامعه در این ماجرا ذی نفع اند چون تشویق چنین افرادی موجب گسترش روحیه ایثارگری و خدمت و در نتیجه سلامت و امنیت جامعه خواهد بود که اگر نظام اسلامی به این تکلیف عمل نکند در حق جامعه ظلم کرده است.

۳-۴- مبنای عدالت در عمل به سیره معصومین

اگرچه، در ریشه لغوی عدالت، نوعی تساوی و برابری لحاظ شده است، اما در مفهوم اجتماعی آن این تساوی لحاظ نمی‌شود. بلکه در این مفهوم، به معنای «دادن حق هر صاحب حقی» می‌باشد. به عبارت دیگر مقتضای عدالت این است که به هر فردی آنچه را که استحقاق آن را دارد بدهند، خواه سهم تمام افراد جامعه مساوی و برابر شود یا نشود؛ بنابراین در آن مواردی که مقتضای عدالت، عدم برابری است، تساوی، عین بی‌عدالتی خواهد بود^{۱۱}. و در این موارد باید از برابری در حقوق، اجتناب کرد، تا بتوان عدالت را اجرا کرد. با این مقدمه در پاسخ به سؤال، باید گفت: در جامعه اسلامی، عده‌ای از افراد به علت تلاش‌ها و زحماتی که برای حکومت اسلامی داشته‌اند و «در سخت‌ترین شرایط به کمک اسلام آمده و با شمشیر یا خون خود از آن حمایت نموده‌اند» باید حقوقی را برای آنها در نظر بگیریم. و این گونه تفکر نه تنها در حکومت ما اجرا می‌شود، بلکه در زمان حکومت امام علی علیه السلام و حتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وجود داشته است. هرچند عمل به این روش به صورت فعلی، مثل تعیین درصد جانبازی، مدت اسارت و... در آن زمان وجود نداشته است، اما اصل این تفکر و عقیده در زمان صدر اسلام نیز وجود داشته است؛ لذا در مورد سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در تاریخ می‌خوانیم که حضرت، به حقوق مجاهدان توجه دقیق می‌کرده است و بالاتر از آن به عواطف شخصی آنها توجه داشته است

^۹- شیخ کلینی، کافی، ج ۵، ص ۴۳، تهذیب الاحکام، ج ۴، ص ۱۲۸.

^{۱۰}- شیخ طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۲، ص ۷۳.

^{۱۱}- محمد کریم اشراق، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸)، ص ۳۶۵ به بعد.

تا جایی که در جنگ بدر، شماری از جنگ‌افزارهای دشمن که به افرادی مانند، عقبه، شیبه، ابوجهل و... تعلق داشت به خانواده‌های مجاهدان و رزمندگان بدر دادند.^{۱۲} در حالی که حضرت می‌توانستند این کار را در مورد افراد دیگر عمل کنند و به دیگران بدهند، ولی این کار را نکردند. البته، این عملکرد حضرت منافاتی با تعلق انفال به خدا و پیامبر که خداوند تبارک و تعالی در قرآن کریم ذکر کرده است^{۱۳}، ندارد. بنابراین، در عصر حضرت امیر علیه السلام نیز به حقوق مجاهدان و رزمندگان اسلام توجه می‌شده است؛ لذا حضرت علی علیه السلام در خطبه ۲۶۱ نهج البلاغه، در برابر تقاضای «عبدالله بن زمعه» که تقاضای مال بیشتری از بیت المال کرده بود، فرمود:

«این مال، نه از من است و نه از تو، این مال، غنائمی است از، فیء،^{۱۴} برای مسلمانانی که شمشیر کشیده‌اند و در راه خدا جهاد کرده‌اند. اگر در جنگ با آنها شرکت داشته‌ای در آن حقی داری و اگر در جنگ با آنها شرکت نداشته‌ای باید بدانی که حق جنگجویان است.^{۱۵}» بعضی معتقد هستند که تساوی حق مردم از بیت المال اختصاص به فیء و غنیمت دارد و شامل وجوهی مانند خمس، زکات و در زمان ما درآمد حاصل از فروش نفت که جزء انفال است نمی‌شود^{۱۶}، در حالی که مطابق این خطبه صراحتاً به امتیاز رزمندگان در غنائم اشاره شده است. این طور نیست که این امتیاز فقط در غنائم باشد بلکه در موارد دیگر نیز به امتیاز و پاداش دائمی اشاره دارد.

بنابراین جنگ تحمیلی علیه ایران، همانند جنگ‌های صدر اسلام یک امتحان و آزمایش الهی بود؛ و مبارزان و مجاهدانی از این امتحان الهی سربلند و پیروز، بیرون آمدند، که برخی از آنان علاوه بر سوابق مبارزه و جهاد مجروح هم شده‌اند و حتی برخی از خانواده‌ها در این راه شهید داده‌اند؛ حال این سهمیه رزمندگان و درصد جانبازی یا امکانات خاص برای خانواده‌های شهیدان، تقدیر و حمایتی ناچیز از فداکاری‌ها و ایثارگری‌های مخلصانه آنان می‌باشد که بدون هیچ چشم داشتی انجام داده‌اند، زیرا باید بین کسانی که در زمان سختی برای جامعه اسلامی تلاش کردند و کسانی که تلاش نکردند فرق گذاشته شود. علاوه بر این، احتمال این که جنگ مجددی پیش آید، وجود دارد. پس رزمندگان، به خاطر اینکه نگاهبان و حامیان جامعه می‌باشند و باید به آنها بها داده شود و حتی پاداش آنها دائمی گردد تا روحیه دفاع و فداکاری برای اسلام و سرزمین اسلامی تقویت شود، لذا امام علی علیه السلام می‌فرماید: «و سپاسگذاری نیکو را در حق آنها دائمی بساز. آزمایش صحیح و تکاپویی که صورت داده است ارزیابی کرده و قدردانی نما، و کوشش و تحمل سختی‌ها و آزمایشی که از یک ارتشی بروز کرده است، برای شخص دیگر، منسوب مساز، و هیچ‌گونه درباره حد نهایی شناخت و پاداش و تقدیر، در مورد تلاش شخص رزمنده تلاش کننده، کوتاهی مکن.»^{۱۷}

پس اگر در جامعه کنونی ما به حقوق رزمندگان، جانبازان و... توجه می‌شود و برای آنها امتیازاتی در نظر گرفته می‌شود، به خاطر الگو قرار گرفتن سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام بوده است. و فقط، شکل و قالب آن متفاوت است که امروزه به صورت درصد جانبازی و... می‌باشد و این تغییر شکل باعث نمی‌شود که ادعا کرد، سیاست زمان ما از زمان علی علیه السلام بهتر است و عدالت بهتر اجرا می‌شود. بلکه همین سیاست در زمان آن حضرت نیز وجود داشته است و اگر در مواردی حضرت به اجر معنوی رزمندگان اشاره می‌کند، منافاتی با تعیین حقوق

^{۱۲} - عبدالمجید معادینخواه، تاریخ اسلام، عرصه دگراندیشی و گفتگو، تهران، انتشارات ذره، ۱۳۷۷، ص ۳۰۶.

^{۱۳} - انفال/۱.

^{۱۴} - فیء، به اموال و زمین‌هایی گفته می‌شود که بدون جنگ از کفار رسیده باشد.

^{۱۵} - نهج البلاغه، ترجمه حسین عمادزاده، انتشارات شرق، چاپ دوم، ۱۳۶۲، ص ۷۸۴.

^{۱۶} - رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی - علیه السلام -، اصلاحات اقتصادی، سید حسین میرمعزی، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۷، ص ۴۸۵.

^{۱۷} - جعفری، محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۶۹، ص ۴۴۸.

مادی برای آنها ندارد. هم‌چنین، اگر حضرت در مواردی حاضر نشدند به خاطر سوابق جهاد، افرادی را مقدم بدارند به این علت بوده است که اولاً آنها بیشتر از حق خود مطالبه می‌کردند و ثانیاً لیاقت پست و مقام درخواستی را نداشتند.

۳-۵- مبنای تقسیم غنائم جنگی در نبردهای صدر اسلام

پیش از تقسیم غنائم میان مجاهدان، چیزهایی باید از آن خارج شود که به ترتیب عبارت‌اند از: آنچه امام علیه‌السلام شرط و تعهد کرده که از غنیمت به اشخاص بپردازد، از قبیل دستمزدهایی که روی مصالحی برای برخی رزمندگان قرار داده است، مانند آنان که راه ورود به دژ دشمن را نشان داده‌اند و یا منطقه جنگی و گذرگاههای مخفی را شناسایی کرده‌اند، و نیز سلب که برای کشته‌شدن دشمن تعیین کرده است.^{۱۸} هزینه‌های نگهداری، جابه جایی و تقسیم غنائم و مانند آنها^{۱۹}. رخص که به زنان، بردگان و کافران، در صورت شرکت آنان در جنگ به اذن امام علیه‌السلام داده می‌شود. اینان جز «رخص» سهمی از غنیمت ندارند.^{۲۰}

غنایم ممتاز، همچون لباس فاخر، شمشیر گران بها و مرکب راهوار، که امام علیه‌السلام آنها را بر می‌گزیند^{۲۱}. خمس: بنابر آنچه از برخی نقل شده، خمس قبل از اخراج دستمزدها، سلب، رخص و هزینه‌ها واجب است و پرداخت می‌شود؛^{۲۲} لیکن دیدگاه مشهور، پرداخت خمس بعد از اخراج آنها از غنیمت است.^{۲۳} بعضی گفته‌اند: خمس قبل از رخص و بعد از دستمزدها، سلب و هزینه‌ها خارج می‌شود.^{۲۴} پس از اخراج خمس، باقی مانده غنائم میان رزمندگان و کسانی که در جبهه جنگ حضور یافته‌اند هرچند نچنگیده باشند، حتی کودکانی که بعد از غنیمت گرفتن و قبل از تقسیم آن متولد شده‌اند و نیز کسانی که پیش از تقسیم غنائم به عنوان نیروی کمکی به رزمندگان پیوسته‌اند تقسیم می‌شود.^{۲۵}

چگونگی تقسیم غنائم بنابر قول مشهور آن است که پیاده یک سهم و سواره دو سهم می‌برد. مراد از پیاده اعم از بی مرکب و دارای مرکبی جز اسب همچون الاغ و قاطر است. به دارنده دو اسب یا بیشتر سه سهم داده می‌شود. در قرار دادن سهم برای اسبها صرف حضور در جبهه نبرد کفایت می‌کند؛ هرچند از آنها استفاده نشده باشد^{۲۶}. برخی گفته‌اند: اسبهای غیر قابل استفاده در جنگ، از قبیل اسبهای پیر، لاغر و ناتوان و نیز کره اسبهایی که توانایی سواری دادن ندارند، سهمی از غنیمت نمی‌برند؛ لیکن برخی دیگر، برای این نوع اسبان نیز سهم قائل شده‌اند؛ زیرا اینها مصداق «اسب» هستند^{۲۷}. اسب غصبی سهمی از غنیمت نمی‌برد، مگر آنکه صاحب آن از رزمندگان باشد، که سهم اسب به او داده می‌شود^{۲۸}. سهم اسب کرایه داده شده و یا عاریه گرفته شده برای جنگ، از آن رزمنده است نه عاریه و کرایه دهنده^{۲۹}.

۴- مبنای حقوقی حمایت از ایثارگران

^{۱۸} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۸۶.

^{۱۹} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۹۱.

^{۲۰} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۹۱.

^{۲۱} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۹۵.

^{۲۲} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۹۷.

^{۲۳} - غایة المرام، ج ۱، ص ۵۲۲.

^{۲۴} - حاشیة شرائع الاسلام، ص ۳۱۳.

^{۲۵} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۱۹۸-۱۹۹.

^{۲۶} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۰۱-۲۰۳.

^{۲۷} - غایة المرام، ج ۱، ص ۵۲۵. مسالک الافهام، ج ۳، ص ۶۲ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۰۵-۲۰۶.

^{۲۸} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۰۶-۲۰۷.

^{۲۹} - جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۲۰۸.

۴-۱- تبیض مثبت (تبعیض روا)^{۳۰}

اعمال این تبعیض موقعیت گروه یا افراد فرودست اجتماعی را در قبال گروه یا افراد دیگر ارتقا می‌دهد و در واقع آنها را به سوی برابری رهنمون می‌کند. مهمترین روش‌هایی که در سازوکارهای تبعیض مثبت به کار رفته اند عبارتند از:

۴-۱-۱- روش ذخیره (Reservation)

روش ذخیره یعنی به انحصار درآوردن تعداد خاصی از موقعیت‌ها برای نمونه از کرسی‌های مجلس‌های نمایندگی یا سمت‌های اجرایی برای برخی از اقلیت‌ها. این روش در کشورهایی همچون زلاندنو، مجارستان، کلمبیا و حتی در کشور خود ما برای اقلیت‌های دینی به کار گرفته شده است.

۴-۱-۲- روش سهمیه‌بندی (Quota)

روش سهمیه‌بندی به روش ذخیره شباهت دارد اما تعداد جایگاه‌ها بر اساس یک نسبت به کل [درصد] تعیین می‌کند. این روش در کشورهایی همچون هند و پاکستان تقریباً در تمامی رده‌های سیاسی پایین و متوسط به کار گرفته می‌شود و تأثیرات مثبتی در افزایش میزان مشارکت در سطوح محلی داشته است.

۴-۱-۳- روش رقابت خاص (Limited or special Competition)

به معنی ایجاد حوزه‌های متفاوت رقابتی برای اعضای یک گروه خاص به صورتی که کمبود و ضعف اولیه آنها را جبران کند. امروزه تقسیم‌بندی جنسیتی در رقابت‌های ورزشی در سراسر جهان اعمال می‌شود و همین تقسیم‌بندی در مسابقات ورزشی برای افراد سالم و معلول نمونه‌های جالفتاده و موثر در این زمینه هستند.

۴-۲- معافیت (Exemption)

یعنی معاف کردن افراد گروه مورد نظر از برخی شرایط برای گزینش (تحصیلات، سن و...) این روش در بسیاری از کشورها از جمله در کشور خود ما برای جانبازان و ایثارگران جنگ تحمیلی به اجرا در می‌آید.

۴-۳- تشویق و کمک در گزینش (Civil war)

کمک به شرکت بیشتر اعضای یک گروه محروم برای رقابت در یک گزینش، بدون ارائه ضمانتی در انتخاب شدن آنها، این روش، یا هدف افزایش انگیزش را دنبال می‌کند یا کمک به انتخاب شدن اعضای یک گروه محروم در فرایند گزینش از طریق توصیه‌ها و ایجاد انگیزش در انتخاب کنندگان (فکوهی، ۱۳۸۴: ۳۵).

۴-۴- حق بر خوشبختی

مهمترین توسعه‌ای که به تازگی در تحقیقات علوم اجتماعی رخ داده است ظهور گروهی محققان بین رشته‌ای متشکل از روانشناسان و اقتصاددانان و تحلیلگران سیاست‌های عمومی با علاقه بسیار به مطالعات شادکامی است (Kahneman, ۱۹۹۹, Diener & Schwarz). امروزه این تحول به حقوق نیز رسیده است. از سال ۲۰۰۷م. شمار زیادی مقاله و کتاب به طبع رسیده است که یافته‌های علوم اجتماعی درباره شادی را در متن مباحث حقوقی به کار گرفته است. روی

^{۳۰} Legitimate discrimination.

نهادن به سوی شادی در میان حقوقدانان آن قدر بوده است که بتوان در کنار عدالت خواهی و آزادیخواهی از غایتمداری حقوقی ممکن دیگری به نام شادیخواهی سخن گفت. رویکرد اولیه این دسته از حقوقدانان توجیه ضرورت اعمال برخی تغییرات در حوزه‌هایی چون حقوق ضمان قهری (شبه جرم) (Bagenstos & Schlanger, ۲۰۰۷) عدالت کیفری، حقوق نظام راهبری بنگاه‌ها (شرکتها) و نظام مالیاتی (Bagaric & McConvill, ۲۰۰۵) بوده است.

گرامت شادی؛ این عبارت برانگیزاننده که توانسته است در میان مفاهیم حقوقی برای خود جایی دست و پا کند، نخستین بار از سوی یک اقتصاددان در سال ۱۹۸۳م. ابداع شد که در قضیه (Sherrod v. Berry) با موضوع قتل خطایی برای کمک به ارزیابی و تصدیق برخی ادعاها به کمک فراخوانده شده بود. کمک در قضیه‌ای که طی آن علاوه بر ادعایی کلی مبنی بر غرامت زندگی متوفی، غرامت از دست دادن لذت زندگی نیز درخواست شده بود که بعدها توانست مواردی چون جراحت و صدمه را تحت عنوان رنج و درد تحت پوشش قرار دهد (Tammelleo, ۱۹۹۰: ۷۷۸).

ما می‌توانیم از اصطلاحاتی همچون «ضرر یا خسارت غیرمالی»^{۳۱}، «خسارت غیر اقتصادی»^{۳۲}، «خسارات کلی»^{۳۳} نیز بدون وجود تفاوت قابل ملاحظه‌ای استفاده کنیم. «ما این نکته را درک می‌کنیم که آنچه از آن تحت عنوان «خسارت ناهویدا»^{۳۴} یاد می‌شود یعنی خساراتی که به دارایی ثروت یا درآمد فرد وارد نشده است و لذا این قابلیت را دارا نیست که به صورت کمی با روشهای مالی و با ارجاع به بازار و چرخه دادوستد ارزیابی شود. بنابراین ما در اینجا با حوزه‌ای وسیع و بسیار پیچیده از معیارها روبه رو هستیم. حوزه‌ای که می‌خواهد عیوب و نقصان وارده بر جسم و روان فرد صدمه دیده و حتی فشار عاطفی و اضطراب ناروای وارده را صرف نظر از اینکه آیا لطمه‌ای به دارایی و درآمد فرد صدمه دیده وارد شده است یا خیر؟ به عنوان خسارتی که می‌بایست مستقلاً جبران شود در نظر بگیرد» (Rogers, Bagińska, ۲۰۰۱: ۲۴۶).

دادگاههای ایالات متحده و اروپا همواره ادعای جبران خسارت ناهویدا را امری قابل استماع دانسته‌اند. با این حال همه این نظامهای حقوقی درخصوص روشهای مناسب برای ارزیابی و قرائت مالی از مقوله درد و رنج به تردیدی عمیق دچار شده‌اند (Komesar, ۱۹۷۴: ۲۴۷). تلاش در جهت پرداخت خسارت برای جبران درد و رنج دارای تاریخی طولانی و بحث آمیز است (O'Connell & Carpenter, ۱۹۸۳: ۸۳-۱۰۹).

رنج؛ متردافی برای تقویت منفی^{۳۵} یا عذاب است که موجب می‌شود تمایلی به متوقف کردن رفتاری مشخص در انسان پدید آید، اگرچه تقلا برای محروم کردن یا کاهش دادن توانایی مدعی برای وصول غرامت شادی از کف رفته‌اش هم، کم نبوده است (Rubin, ۱۹۹۲: ۳۷۱ & Calfee). در قضیه بوان علیه بلک ول غرامت شادی اینطور تعریف شده است: «تاوانی برای محدودیتهای ناشی از قصور یا تقصیر متهم که بر قابلیت‌های فرد قربانی برای بهره‌مندشدن از خوشی و لذت فعالیتهای معمول در زندگی روزمره وارد شده و به همین ترتیب تاوانی برای ناتوان شدن قربانی در تعقیب استعدادها، علاقه‌ها، تفریحات و سرگرمی‌های مربوط به فراغت است» (Bagenstos & Schlanger, ۲۰۰۷). گواهی این غرامت به معنای برآورد ارزش ریالی میزان ضرر ناشی از «ازدست رفتن لذت زندگی»^{۳۶} یا «ازدست دادن روابط

^{۳۱} non-pecuniary loss or damages

^{۳۲} non-economic damages

^{۳۳} general damages

^{۳۴} non-patrimonial loss

^{۳۵} negative reinforcement

^{۳۶} lost enjoyment of life

اجتماعی^{۳۷} است (Tinari, ۱۹۹۹). این غرامت همه جانبه است؛ یعنی اینکه دربرگیرنده جبران همه چیزهایی است که فرد قربانی قابلیت التذاذ نسبت به آنها را از دست داده است.

غرامت شادی غرامتی «فراگیر»^{۳۸} است. گزینش برخی لذت های متعارف و معمول در زندگی روزمره و ترجیح آنها به سایر لذت ها از همین دست بلامرجح خواهد بود. فراتر از اینکه لذت ها خصوصی درخصوص یکدیگر ایجاد نمی کنند، عادلانه نیست که در مقام تمیز لذت های مهم از آنها که کمتر مهم اند، خود را مهبیای آن بدانیم که می توانیم کاملاً جای فرد قربانی بنشینیم و به جای او درباره اهمیت خوشی ها تصمیم بگیریم. این غرامت توانی است برای هرآنچه از لذت ها که قربانی توان بهره مندی از آن را از دست داده است. حتی در نوعی از این لذات نیز رجحانی برای یک سلیقه به خصوص وجود ندارد، برای مثال کسی که شنوایی خود را از دست داده است و قبلاً موسیقی هایی در سطح بالا و بسیار متعالی گوش می کرده است با فردی که علاقه مند به موزیک های پیش پافتاده (کوچه بازاری) است، هیچ تفاوتی ندارد. حتی این غرامت در مقابل از دست دادن قابلیت تحت تاثیر قراردادن دیگران نیز در روابط اجتماعی مثل بهره مند شدن از توجه و علاقه دیگری یا زوال برخی تمایلات طبیعی قابل طرح و دسترسی است. (Ingram, ۱۹۹۰: ۴۲۳).

نظریه های ترمیمی و حمایتی به کمک جبران در حق شادکامی شتافته اند. نظریه تبعیض مثبت و ترمیم هنوز هم در توجیه برقراری سهمیه در دانشگاه ها برای جانبازان و نیاز به تعریف حقوقی نوین دارد. امروزه اغلب قریب به اتفاق کشورهای جهان مقرراتی درخصوص حمایت مضاعف از سربازان از کارافتاده یا کهنه سربازان وضع کرده اند، اما در این بین تنها تعداد انگشت شماری از کشورها همچون ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی ایران به ایجاد امتیازات و سهمیه های آموزشی برای فراهم کردن امکان تحصیل این گروه از سربازان در مراکز آموزش عالی همت گمارده اند.

۵- قوانین حمایتی ایران

در قوانین ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی قوانینی در راستای حمایت از ایثارگران به تصویب رسید. اولین قانون حمایتی در این باره در مورخ ۱۳۶۱/۰۶/۱۶ تحت عنوان «قانون راجع به معافیت آن عده از معلولین انقلاب اسلامی که قادر به کار می باشند همچنین افراد خانواده شهدا و معلولین از شرط بند ج ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری»، به تصویب رسید طبق این قانون آن عده از معلولین انقلاب اسلامی ایران که قادر به انجام کار (در مواردی) می باشند، همچنین افراد خانواده شهداء و معلولین انقلاب اسلامی ایران که دارای حداقل شرط تحصیلی مندرج در بند "ج" ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری نمی باشند، برای ورود به خدمت رسمی در وزارتخانه ها و مؤسسات دولتی و شهرداری های مشمول قانون مزبور با موافقت وزیر یا رئیس دستگاه مربوط از شرط مذکور معاف خواهند بود و از وجود آنان در مشاغل رسته خدمات و فنی و حرفه ای استفاده خواهد شد. سپس در سال ۱۳۶۳ تحت عنوان «ماده واحده قانون الحاق سه تبصره به قانون راجع به معافیت آن عده از معلولین انقلاب اسلامی که قادر به کار می باشند، همچنین افراد خانواده شهدا و معلولین از شرط بند ج ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری»، به تصویب رسید. با این قوانین فقط به حمایت از معلولان و زندانیان و مفقودان دوران انقلاب یا جنگ از طریق معافیت از حداقل مدرک تحصیلی و سازوکارهای تامین اجتماعی و بیمه می پرداختند. همچنین مجلس شورای اسلامی در مورخ ۱۳۶۴/۱۱/۳ «قانون الزام دولت جهت استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و بستگان شهداء» را به تصویب رساند. براساس این قانون کلیه وزارتخانه ها، نهادهای انقلاب اسلامی، مؤسسات و شرکتهای و کارخانه های دولتی و بانکها و شهرداری ها و کلیه دستگاههایی که به نحوی از بودجه عمومی دولت استفاده می کنند، موظفند از تاریخ تصویب این قانون حداقل ده درصد از پرسنل مورد

^{۳۷} loss of social relationship

^{۳۸} all encompassing

نیاز خود را از بین جانبازان انقلاب اسلامی و فرزندان شهداء، اسراء، مفقودین و جانبازان از کارافتاده، در صورتی که افراد واجد شرایط در میان آنان وجود داشته باشد، با رعایت سایر مقررات مربوطه ضمن هماهنگی با بنیاد شهید انقلاب اسلامی تأمین نمایند. بعدها در سال ۱۳۶۷ نیز مجلس شورای اسلامی «قانون استخدام جانبازان» را به تصویب رساند. بر اساس این قانون جانبازان از امتحانات کتبی معاف و برای خدمت در دستگاه‌های دولتی فقط گزینش صورت خواهد گرفت. البته قوانین متعدد دیگری نیز در حمایت از جانبازان و ایثارگران به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید که مهمترین این حمایت‌هایی قانونی عبارتند از: ۱- اولویت برای استخدام در مشاغلی که تجربیات دوران خدمت نظام در آنها موثر باشد؛ ۲- حفظ شغل حتی با از دست دادن بخشی از توانایی لازم برای انجام شغل (بندالف و ب ماده ۱۰۸ قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۶۷/۷/۷)؛ ۳- اعطای ارشدیت (ماده ۱۰۹ قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران مصوب، ۱۳۶۷/۷/۷)؛ ۴- سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مصوب، ۱۳۷۰/۷/۲۱) قانون استخدام وزارت اطلاعات مصوب، ۱۳۷۴/۴/۲۵ قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۱۱/۱۷)؛ ۵- حفظ حقوق و مزایای اشتغال (ماده ۱۴۵ و ماده ۱۵۷ و تبصره آن قانون ارتش جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۶۷/۷/۷)؛ ۶- محاسبه دوران خدمت نظام در محاسبه میزان تجربه و بازنشستگی (ماده ۶ قانون تسهیلات استخدامی و جانبازان انقلاب اسلامی مصوب ۱۳۷۴/۲/۳۱)؛ ۷- منظور نمودن حق تقدم برای ادامه خدمت در موقع کاهش نیروی کار سازمان (ماده ۶ قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی دستگاه‌های دولتی مصوب ۱۳۶۶/۱۰/۲۷)؛ ۸- داشتن اولویت برای استخدام در دستگاه قضا در فرض دارا بودن شرایط مساوی (ماده ۱۱ آیین نامه اجرایی قانون گزینش و استخدام قضات مصوب ۱۳۷۹/۱/۳۱)؛ ۹- انتخاب محل خدمت به اختیار کارمند در دستگاه قضاء (همان) اولویت در تبدیل وضعیت از قراردادی، پیمانی و غیره به رسمی (تبصره ماده ۲۶ قانون حمایت از آزادگان پس از ورود به کشور مصوب ۱۳۶۹/۹/۱۲)؛ ۱۰- احتساب مدت اسارت به میزان دو برابر (همان)؛ ۱۱- احتساب مدرک تحصیلی بالاتر در پرداخت حقوق و مزایا. مجلس شورای اسلامی با هدف تجمیع قوانین متعدد در راستای حمایت از جانبازان و ایثارگران در مورخ ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ «قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران» را به تصویب رساند. طبق این قانون حمایت از ایثارگران، جانبازان و خانواده‌های معظم شهدا در چند فصل پیش بینی شد: حمایت از مسکن با تسهیلات خرید یا ساخت مسکن، رسیدگی به وضع بهداشت و درمان، تسهیلات اداری و استخدامی، اشتغال و کارآفرینی، معیشت و رفاه و امور فرهنگی، آموزشی، ورزشی و ترویج فرهنگ ایثار و شهادت.

نتیجه گیری

در این تحقیق حقوق اختصاصی ایثارگران با نگاهی به آیات قرآن کریم و حقوق و قوانین کشورها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. از جمله نتایج پژوهش آن است دو دسته حقوق برای ایثارگران در قرآن کریم و روایات اسلامی مورد لحاظ قرار گرفته است یک دسته گروه معنوی و یک دسته گروه حقوق مادی. از آیات ۹۵ سوره نساء، ۱۱۱ سوره توبه، ۱۲۰ سوره توبه استنباط می‌گردد که از نظر شارع مقدس باید ایثارگران و مجاهدان فی سبیل الله در جامعه گرمی داشته شوند و مورد احترام و تکریم قرار گیرند. شاید بتوان بخشی از تکریم و گرامیداشت مقام شامخ مجاهدین و ایثارگران را با جبران خسارت‌های جسمی و مادی که به آنها وارد شده است ترمیم کرد و اعطای «اجر مادی» منافاتی با اجر معنوی ندارد چرا که اساساً هیچ چیز جایگزین «اجر معنوی» ایثارگران نزد خداوند متعال نمی‌گردد؛ لکن این بدان معنا نیست که جامعه، کارگزاران و حکومت اسلامی نسبت از تکریم معنوی و مادی ایثارگران غفلت بورزد چرا که مجاهد و ایثارگر در راه خدمت به جامعه متحمل آسیب‌های جسمی و مادی شده است و اکنون این جامعه و حکومت است که باید پاسخگوی

غرامت این از خودگذشتگی و جانفشانی باشد. بنابراین از مذاق شریعت چنین استنباط می‌گردد که تکریم و بزرگداشت ایثارگران امری مطلوب نزد پروردگار است لکن شیوه‌های اجرای این تکریم به عقلا و حکومت اسلامی سپرده شده است تا با انتخاب بهترین شیوه‌ها مجاهدان فی سبیل الله را تکریم نمایند.

همچنین اقتضای آیات ۴۱ و ۶۹ سوره انفال، قاعده قرآنی-فقهی عدالت، اقتضای آن است که برای جبران خسارت‌های مادی و معنوی ایثارگران و مجاهدان راه حق حکومت اسلامی اعم از قوای سه گانه و سایر ارکان آن با تنظیم قوانین و مقررات حمایتی تلاش‌های کافی را در این زمینه مبذول نمایند.

از نظر علم حقوق «تبعیض مثبت و روا» و «حق بر خوشبختی» دو مبنای مهم وضع و جعل قوانین برای حقوق اختصاصی ایثارگران می‌باشد. در ایران، قوانین گوناگونی بر حقوق اختصاصی ایثارگران دلالت دارد از جمله مهمترین آنها قانون جامع خدمات رسانی به ایثارگران است. در قوانین آمریکا برنامه-های حمایتی از کهنه سربازان و خانواده‌های آنها مقرر شده است. از جمله برنامه‌های حمایتی از کهنه سربازان آمریکایی عبارتند از: اولویت استخدامی، دریافت مزایای پرداختی، دریافت مستمری، برنامه اشتغال و توانبخشی حرفه ای برای فرزندان کهنه سربازان، جبران خسارت معلولیت، کمک‌های مالی تکمیلی، کمک هزینه خرید یا مناسب سازی اتومبیل، کمک هزینه پوشاک، کمک هزینه‌های ویژه فرزندان با نواقص خاص جسمی. دولت جمهوری خلق چین نیز جهت حمایت از نظامیان خود «سازمان امور کهنه سربازان» را تاسیس کرده است و مهمترین برنامه‌های حمایتی این سازمان عبارتند از: «حمایت از کسب و کارهای کوچک»، «حمایت از اشتغال معلولان»، «خدمات برای کهنه سربازان نابینا»، «کمک هزینه نگهداری از معلولان به خانواده‌های ایشان»، «کمک هزینه خرید مسکن»، «معالجات دندانپزشکی»، «خدمات دارویی رایگان»، «بیمه زندگی». از مهمترین حمایت‌های دولتی از کهنه سربازان ژاپنی را می‌توان «نظام پرداخت مستمری» دانست. همچنین دولت ژاپن با اعطای بلیط رایگان اتوبوس و مترو، «وام خرید خودرو»، «هزینه تجهیز خودرو به وسایل کمک حرکتی»، «خدمات رایگان بهداشتی، دارویی و دندانپزشکی» از کهنه سربازان خود حمایت میکند. کشور الجزایر نیز با تصویب قانون حمایت از رزمندگان الجزایر به طور گسترده از مجاهدان و ایثارگران خود حمایت می‌نماید. در نتیجه حمایت مادی و معنوی از ایثارگران و کهنه سربازان در کشورهای دنیا مورد توجه قرار گرفته است و با وضع قوانین دولت‌ها به این امر مهم اهتمام دارند.

۱. احمدی میانجی، الاسیر فی الاسلام، ۱۴۱۱ق.
۲. انصاری، مرتضی ۱۳۷۹، المکاسب، ج ۲، قم، ایران، احسن الحدیث.
۳. بحرانی، یوسف بن احمد ۱۳۵۹، الحقائق الناصره فی احکام العتره الطاهره، ج ۴، قم، ایران، بی نا.
۴. جبعی العاملی، زین الدین بن علی «شهید ثانی» ۱۳۹۳، حاشیه الارشاد، ج ۱، قم، ایران، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. جعفری لنگرودی، محمد جعفر ۱۳۷۸، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، ج ۱، چ ۱، تهران، ایران، گنج دانش.
۶. جعفری، محمد تقی، حکمت اصول سیاسی اسلام، بنیاد نهج البلاغه، چاپ اول، ۱۳۶۹.
۷. جمعی از نویسندگان، بررسی چگونگی تکریم از رزمندگان و ایثارگران در سایر ملل، کمیته علمی ستاد همایش ایثارگران و شوراهای اسلامی شهر، تهران: ۸۵۳ نشر شاهد، ۱۳۸۰.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد ۱۴۰۴، الصحاح (للجوهری)، ج ۲، بیروت-لبنان، دارالعلم للملایین.
۹. جاوید، محمدجواد؛ نیک نژاد، سامان (۱۳۹۷)، «حق خوشبختی در جبران حقوق طبیعی جانبازان و ایثارگران»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۱، بهار: ۱۳۹۷.
۱۰. رشاد، علی اکبر، دانشنامه امام علی - علیه السلام -، اصلاحات اقتصادی، سید حسین میرمعزی، تهران، مرکز نشر آثار پژوهشگاه فرهنگ اندیشه اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، ج ۷.
۱۱. رفیق دوست، محسن، مصاحبه، چاپ شده در پایه پای آفتاب، تدوین امیررضا ستوده، تهران، پنجره، چاپ اول، ۱۳۸۰ ش.
۱۲. طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۴)، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۳. طوسی، شیخ ابوجعفر (۱۴۰۷)، تهذیب الاحکام، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۱۴. طوسی، شیخ ابوجعفر (۱۳۸۷) المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.
۱۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، تهذیب الأحکام، ج ۶، ص: ۱۲۱، دار الکتب الإسلامیه، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷.
۱۶. طبرسی، مجمع البیان، ۱۳۷۲ش، ج ۱۰، ص ۱۷؛ طباطبائی، المیزان، ۱۳۹۰ق، ج ۲۰.
۱۷. عاملی، حرّ، محمد بن حسن، وسائل الشیعۀ، ج ۱۵، ص: ۱۲، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۹ ه.ق.
۱۸. فکوهی، ناصر، ۱۳۸۴، «سازوکار تبعیض مثبت به مثابه ابزار محرومیت زدایی با نگاهی به موقعیت زنان در ایران»، پژوهش زنان، شماره ۳، صص ۳۲-۴۸.
۱۹. قاسم پور، داوود، بنیاد مستضعفان و جانبازان اسلامی، چاپ شده در فرهنگنامه نهادهای انقلاب اسلامی، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.
۲۰. کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷؛ الکافی (ط - دار الحدیث)، ج ۹، دار الحدیث للطباعه و النشر، قم - ایران، اول.

۲۱. عنبری، موسی و قاسم اویسی فردویی، چالش‌های فرهنگی و هویتی جانبازان جنگ تحمیلی، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۴۱، تهران، ۱۳۹۱ش.
۲۲. عبدالمجید معادیخواه، تاریخ اسلام، عرصه دگراندیشی و گفتگو، تهران، انتشارات ذره، ۱۳۷۷.
۲۳. مجلسی، بحارالانوار، ۱۴۰۳ق، ج ۴۲.
۲۴. قاسم‌پور، بنیاد مستضعفان و جانبازان انقلاب اسلامی.
۲۵. عنبری، موسی و قاسم اویسی فردویی، چالش‌های فرهنگی و هویتی جانبازان جنگ تحمیلی، مجله مطالعات جامعه‌شناختی، شماره ۴۱، تهران، ۱۳۹۱ش.
۲۶. مهوری، محمدحسین، جانبازان و زمامداران وظایف متقابل، تهران، سوره مهر، چاپ اول، ۱۳۸۲ش.
۲۷. محمد کریم اشراق، تاریخ و مقررات جنگ در اسلام (دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ چهارم، ۱۳۶۸).
۲۸. نهج البلاغه، ترجمه حسین عمادزاده، انتشارات شرق، چاپ دوم، ۱۳۶۲.
۲۹. نجفی، محمد حسن ۱۴۳۰ق، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، ج ۲، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی.
۳۰. ویژه، محمد رضا (۱۳۸۳)، «مفهوم اصل برابری در حقوق عمومی نوین»، نشریه حقوق اساسی، ۱۳۸۳ش.
۳۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر، کارنامه و خاطرات، سال ۱۳۵۹، انقلاب در بحران، به اهتمام عباس بشیری، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
۳۲. یزدی طباطبایی، سید محمد کاظم ۱۴۲۹ق، حاشیه المکاسب، ج ۲، ق ۲، قم، ایران، مؤسسه طیبه لایحه التراث.

قوانین

۳۳. «قانون راجع به معافیت آن عده از معلولین انقلاب اسلامی که قادر به کار می‌باشند همچنین افراد خانواده
۳۴. «شهدا و معلولین از شرط بند ج ماده ۱۴ قانون استخدام کشوری»، مصوب ۱۳۶۱/۰۶/۱۶
۳۵. «قانون الزام دولت جهت استخدام ده درصد از پرسنل مورد نیاز خود از بین جانبازان انقلاب اسلامی و
۳۶. بستگان شهداء»، مصوب ۳/۱۱/۱۳۶۴.
۳۷. «قانون استخدام جانبازان» مصوب ۱۳۶۷
۳۸. «قانون استخدام ارتش جمهوری اسلامی ایران»، مصوب ۱۳۶۷/۷/۷.
۳۹. «مقررات استخدامی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی»، مصوب ۲۱/۷/۱۳۷۰.
۴۰. «قانون استخدام وزارت اطلاعات»، مصوب ۲۵/۴/۱۳۷۴.
۴۱. «قانون استخدام نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران»، مصوب ۱۷/۱۱/۱۳۸۲.
۴۲. «قانون تسهیلات استخدامی و جانبازان انقلاب اسلامی» مصوب ۱۳۷۴/۲/۳۱.
۴۳. «قانون نحوه تعدیل نیروی انسانی دستگاه های دولتی» مصوب ۲۷/۱۰/۱۳۶۶.
۴۴. «قانون گزینش معلمان و کارمندان آموزش و پرورش» مصوب ۱۳۷۴/۶/۱۴.
۴۵. «آیین نامه اجرایی قانون گزینش و استخدام قضات» مصوب ۳۱/۱/۱۳۷۹.
۴۶. «قانون حمایت از آزادگان پس از ورود به کشور» مصوب ۱۲/۹/۱۳۶۸.